

کتاب مقدس درباره‌ی اعتیاد چه می‌گوید؟

نوشته‌ی: ال. مایکل مورالس

زمانی آگوستین جوان دعای مشهوری کرد: «خداوندا، به من پاکدامنی و خویشتنداری عطا کن؛ اما نه هنوز.» در حقیقت او که داشت اسقف هیپو و یکی از بزرگترین الاهدانان در تاریخ کلیسا می‌شد، عنفوان جوانی خود را در بند لذات کشنده‌ی جسمانی توصیف می‌کند. آگوستین در کتاب «اعترافات» خود بازگو می‌کند که چطور روح القدس، قدرتمندانه کلام خدا را در قلب او به کار بست و از طریق متنی در رومیان باب ۱۳، او را تبدیل کرد:

«با شایستگی رفتار کنیم چنانکه در روز، نه در بزم‌ها و سرکرها و فسق و فجور و نزاع و حسد؛ بلکه عیسای مسیح خداوند را بپوشید و برای شهوات جسمانی تدارک نبینید» (رومیان ۱۳-۱۴).

آگوستین فروتنانه و با اطمینان به فیض قوت‌بخش، دعایی تازه آموخت: «خداوندا، آنچه فرمان می‌دهی را ببخش، و آنچه تو را خشنود می‌کند، فرمان بده.»

آگوستین در توصیف زندگی خود با اصطلاحات اسارت و رهایی، حیات خود را از دریچه‌ی جهان‌بینی کتاب مقدس ارزیابی می‌کرد؛ افکار او به شیوه‌ای عمیقاً کتاب‌مقدسی ابراز شد، و ما را در ورود به موضوعی که در دست داریم یاری می‌دهد. با وجود اینکه به نظر می‌رسد کلمه‌ی «اعتیاد» اصطلاحی مناسب برای توصیف هرگونه درگیری اجباری و از سر عادت، فارغ از تاثیرات منفی آن است، این اصطلاح در کتاب مقدس یافت نمی‌شود که به جای آن، از اصل غالب گناه استفاده می‌کند - اسارت اساسی و دلیل ریشه‌ای بسیاری از ویژگی‌های انحرافی ما. پس محل آغاز مطالعه‌ی کتاب مقدسی درباره‌ی اعتیاد، مشکل بسیار عمیق‌تر سقوط بشر و متعاقب آن، اسارت در گناه است.

خدای قادر مطلق، ابنای بشر را به صورت و شباهت خود آفرید تا از مشارکت با او در روز سبت لذت ببرند و تا به نمایندگی از او، چون خداوندگاران بر خلقت حکمرانی کنند. با اینحال، این اختیار و مقام، در عصیان بشر خوار و نابود شد. با وجود آنکه شیطان وعده‌ی برابری با خدا را برای خوردن میوه‌ی ممنوعه داده بود، نتیجه‌ی تلخ عصیان آدم انقلابی در تباهی ذات او بود: خداوندگار بشری خلقت با فرارگیری تحت تسلط گناه، اخلاقاً فاسد شد. به علاوه، این وضعیت گناه و تیره‌روزی محدود به اولین زوج بشری

نمود. آموزه‌ی کتاب مقدسی گناه اولیه به عنوان راست‌دینی، توسط تلاش‌های خود آگوستین قاعده‌مند شد که تعلیم می‌دهد تمام بشریت تحت نسل عادی آدم با ذاتی فاسد متولد می‌شوند و لکه‌ی گناه را بر خود دارند. آموزه‌ای مرتبط به نام «تباهی کامل» که توسط الاهیدانان اصلاح‌شده مطرح شد، توضیح می‌دهد تمامیت هر انسان - ذهن ما، اراده‌ی ما، احساسات ما، و حتی جسم ما - تحت نفوذ قدرت گناه قرار دارد. نه اینکه افراد در عمل آنقدر که ممکن است شریر باشند، بلکه یعنی همه‌ی بخش‌های ذات ما توسط گناه فاسد و آلوده است. چون این اسارت توسط غل و زنجیر اراده و امیال عمیق خودمان ایجاد شده است، از نجات بخشیدن خویش ناتوانیم. خموده در برابر گناه، ما به طور طبیعی هوای کم‌ارزش نفس‌مان را پیروی می‌کنیم، و عمیق‌تر در ژرفای شرم و تباهی فرو می‌رویم (رومیان ۱: ۲۱-۳۲). بدتر از همه، کتاب مقدس توضیح بیشتر می‌دهد که بردگی بشریت در برابر گناه اما نشانه‌ای است از اینکه ما تحت تسلط شیطان، آن شریر، قرار داریم و مطابق طرح او زندگی می‌کنیم و محکوم به داوری ابدی هستیم (افسیان ۲: ۱-۳). تنها در متن این حقیقت بی‌پرده - اینکه بشریت به لحاظ روحانی مرده، برده‌ی گناه، و تحت تسلط شیطان است، و در مسیر وحشتناک‌ترین داوری قرار دارد - می‌توان بحثی معنادار درباره‌ی اعتیاد یک شخص داشت. واضحاً اولویت با نیاز ما به عاجز نگه داشتن گرایش‌های بخصوصی نیست؛ بلکه در عوض، نیاز داریم تا از اسارت نجات پیدا کنیم و بر وفق یک انسانیت جدید دوباره خلق شویم.

این مخلصه می‌توانست چقدر ظلمانی و تاریک باشد اگر کلام خدا محبت بی‌پایان، ابدی، و تغییرناپذیر پدر را آشکار نمی‌کرد - او که محبتی فراوان دارد و کار نجات ما را از طریق پسرش به ثمر رسانده است (یوحنا ۳: ۱۶؛ افسسیان ۲: ۴-۶؛ اول یوحنا ۳: ۸). عیسی اسیری را به اسارت برده تا قوم خود را آزاد کند؛ روح‌القدس عمل مسیح را در قلب ما به کار می‌بندد و ما را از نو خلق می‌کند، و ما را تولدی آسمانی و آزادی می‌بخشد. پولس در اولین نامه‌ی خود به کلیسای قرنتس، بسیاری از انواع گناهان را فهرست‌وار ارائه می‌کند - از فاسقان و زانیان و همجنس‌بازان، تا دزدان و مستان - و بعد اعلام می‌کند: «بعضی از شما چنین می‌بودید» (۱: ۱۱). چگونه این پیوستگی سترگ از هم گسست؟ همین آیه توضیح می‌دهد که اینانی که زمانی بسیار به گناهان خود چسبیده بودند، اکنون به عنوان افراد شسته شده، جدا شده، و عادل شمرده در نام خداوند عیسی توسط روح خدا تعریف می‌شوند.

با اینحال، آزادی از اسارت گناه پایان داستان نیست. نوزایی، آغاز نبرد روحانی ما علیه تمایلات گناه‌آلود است، و کتاب مقدس بسیار درباره‌ی نیاز ما به مشغولیت روزانه در این نبرد، و همچنین ماهیت سلاح‌های جنگی ما تعلیم می‌دهد. ابتدا، به مسیحیان درباره‌ی امکان تسلیم دوباره‌ی خویش به گناه هشدار جدی داده شده است. با وجود اینکه در اعلامیه‌ی پولس در اول قرنتیان ۶: ۱۱ حقیقتاً

تسلطی شگفت‌انگیزی وجود دارد، اما هدف کلی او در آن متن این است که به مقدسین درباره‌ی تسلیم دوباره‌ی خویش به تسلط حتی اعمال شریعت هشدار دهد و می‌نویسد: «نمی‌گذارم که چیزی بر من تسلط یابد» (۶: ۱۲). به طریق مشابه، پولس به کلیسای روم درباره‌ی اسارتی هشدار می‌دهد که در انتظار آنانی است که گمان می‌کنند فیض، امیال فاسد را کم خطر می‌سازد و خود را به اطاعت گناه تسلیم می‌کنند (رومیان ۶: ۱۶). مبادا خود را فریب بدهیم؛ این هشدارها با ادعای صریح و روشن کتاب مقدس همراه هستند که - فارغ از اعتراف ایمان یک شخص - آنانی که در حقیقت زناکار، همجنسباز، میخواره، دروغگو و غیره هستند، به هیچوجه وارث پادشاهی خدا نمی‌شوند (اول قرنطیان ۶: ۹-۱۰؛ غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱؛ افسسیان ۵: ۵-۷؛ مکاشفه ۲۱: ۸، ۲۷). از همین روی، مسیحیان موظف هستند تا در آزادی مسیح استوار باشند که مبادا دوباره به یوغ بندگی گرفتار شوند (غلاطیان ۵: ۱). وقتی یک نسل در غرب فراموش می‌کند که مسیحیان در «ارتش کلیسا» و در میانه‌ی یک جنگ تمام عیار هستند، و دشمنان ما - دنیا، جسم و شیر - شدیداً به نابودی مان علاقه‌مندند، تلفات روحانی ما جای تعجبی ندارند.

کلام خدا این چشم‌انداز هوشیارانه را به دست می‌دهد و ما را می‌خواند تا از شهوات طبیعی خود بگریزیم که می‌توانند ما را دوباره به زنجیر بکشند، و تمام تلاش مان را برای پیشرفت در تقدیس انجام دهیم. کتاب مقدس معمولاً از چیزی استفاده می‌کند که بسیاری آن را تصویر عمید می‌خوانند تا نقش ما در تقدیس را شرح دهد: به ما تعلیم داده شده تا اعمال جسم را از خود بیرون کنیم، به عنوان بسیاری از تکه‌های طبیعت کهنه‌ی آدمی مان، و مسیح عیسی را، شخصیت عادل او و اطاعت وی را در بر کنیم (غلاطیان ۳: ۲۷؛ افسسیان ۴: ۲۲-۲۴). جنبه‌ی «بیرون کردن» به حسابرسی و اجتناب منظم از گناه مربوط است که مستلزم تلاش شدید و فداکاری می‌شود؛ برای مثال، پولس تعریف می‌کند که چطور بدن خویش را زبون می‌ساخت تا آن را تحت کنترل در بیاورد (اول قرنطیان ۹: ۲۷). ما باید بی‌رحمانه اعمال جسم را بکشیم و ابداً برای جسم تدارک نبینیم، و این می‌باید - بدون شک تنها می‌تواند - توسط روح القدس انجام شود (رومیان ۸: ۱۳). روح القدس مرگ خود مسیح نسبت به گناه را در ما به کار می‌بندد و ما را توان می‌بخشد تا در همه وقت عمیقاً با او و در او بمیریم تا در همه وقت عمیقاً با او و در او در حضور خدا زندگی کنیم. به عنوان سربازان تادیب‌شده‌ای که زره کامل خدا را پوشیده‌اند، می‌باید در مبارزه باقی بمانیم (افسسیان ۶: ۱۰-۱۸)، و به یاد بیاوریم که تذکرات عیسی مبنی بر اقدامات عملی (که در متی ۵: ۲۷-۳۰ حتی به عنوان نمونه‌ای آموزشی، بسیار شدید است)، باید برای اجتناب از عادات گناه‌آلود به کار بسته شود.

جنبه‌ی «در بر کردن» به ممارست در خداترسی و جایگزینی عادت‌های فاسد با رفتار احترام‌آمیز نسبت به خدا مرتبط است. معمولاً، روال مثبت در اعمال نیکو با تمرکز و سواس گونه بر کارهای گناه‌آلود ما خراب می‌شود - یعنی تلاش برای احتراز از اعمال جسم جدا از پرورش فضائل مسیحی به عنوان جایگزینی برای آنها، محکوم به شکست است. با اینحال، میل خدا به ثمرآوری ما از مزایای انجیل، هم مصرانه و هم جدی است (لوقا ۱۳: ۶-۹؛ یوحنا ۱۵: ۵-۸). دوباره، اقدامات عملی نباید نادیده گرفته شوند: برخاستن زود هنگام و تلاش وافر در خواندگی مان برای ملکوت مسیح، پادزهر مطمئنی در برابر بسیاری از گناهان فاجعه‌بار است، در حالی که فقدان مجاهدت شرارت به بار می‌آورد (اول تیموتائوس ۵: ۹-۱۴).

سرانجام، کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که سلاح‌های جنگی ما همان وسایلی هستند که خدا برای رشد روحانی ما تعیین نمود، که همه‌ی آنها در ارتباط با خدا از طریق پرستش جمعی جریان دارند. غلبه بر اعتیادات گناه‌آلود عمدتاً شامل یادگیری محظوظ شدن از خدا در روز سبت اوست: متلذذ شدن در حضور او در حالیکه اعلام کلام او را جشن می‌گیریم، از آیین‌های او تغذیه می‌شویم، از تجدید بخشش او در گناهان اعتراف‌شده مان دلگرم می‌شویم، در دعا دل‌مان را به حضور او می‌ریزیم، در مشارکتی خداترسانه مشغول می‌شویم، و مسرورانه برکت او - حضور، قدرت، و محافظت قوتبخش او - را برای روزهای پیش رو دریافت می‌کنیم. وقتی تکیه‌ی کامل مان به قدرت روح‌القدس را درک می‌کنیم که ما بدن‌های ما را به عنوان خلقتی جدید بر خواهد خیزانید، و چون می‌فهمیم که او تنها از طریق این مجاری فیض می‌بخشد، به سرعت با سوالات شبانی روحانی‌نمایی مانند «آیا درباره‌ی فلان موضوع همراه با روزه دعا کردید که "ما را از شریر رهایی ده"» مرخص نمی‌شویم؛ بلکه فروتنانه شروع به یادگیری فنون جنگ‌مان می‌کنیم. در موضوع ارتباط با خدا، باید مراقب باشیم که مسیح را از مزایای او جدا نکنیم. نیاز حقیقی ما همیشه این است که به خود مسیح، میانجی کفایت‌کننده مان، در جلال مقام سه‌گانه‌ی او چشم بدوزیم: نبی ما که تثلیث را بر ما آشکار می‌کند؛ کاهن اعظم مان که تا بحال زندگی می‌کند که برای مان شفاعت کند؛ و پادشاه فاتح مان که دشمنان درونی و بیرونی ما را شکست می‌دهد. تدارک وافر خدا در او - هر برکت روحانی (افسیسیان ۱: ۳) - بسیار فراتر از هر ضعف ماست. در چشم دوختن به مسیح، همراه آگوستین می‌آموزیم که خدا قطعاً آنچه فرمان می‌دهد را می‌بخشد.

دکتر ال. مایکل مورالس، استاد مطالعات کتاب مقدس در دانشگاه الهیات Greenville Presbyterian Theological Seminary و کشیش دستگذاری شده در کلیسای مشایخی آمریکا (Presbyterian Church in America) هستند. او نویسنده‌ی کتاب Who Shall Ascend the Mountain of the Lord? است.

این مقاله در مجله [تیبل تاک \(Tabletalk\)](#) منتشر شده است.